

پیش‌خواران

نظر و گذری بر «یادداشت‌های بی‌تاریخ» درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری

یادگارهایی از «چهل سال همسایگی باتاریخ»

■ سمانه صادقی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، مجموعه‌ای از مقالات کوتاه هداایت‌ناهی بی‌تاریخ» به‌نکات بی‌آمده‌اشارت برده‌است: «یادداشت‌های بی‌تاریخ درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سیاست، جامعه، ادبیات، فرهنگ، فضای مجازی و انقلاب اسلامی و تألیف هدایت‌الله بهبودی است. تاریخ، درهای کوچک و بزرگ فراوانی دارد. با کشودن هر کدام، چراغی فراراه آدمی روشن و راهی نوین هویدا می‌شود. رسیدن به این پرتوی راهگشا، نه یک نیاز گروهی یا صنفی، بلکه نیازی همگانی و عمومی است. برخی با درک این حقیقت ناب و هرزمانی، نگاه خود را به روشنائی راهی که تاریخ افروخته‌است، می‌دوزند و به‌سوی آینده گام بر می‌دارند و برخی نیز با ضمیری خفته به‌سوی ابهام روبه‌رو قدم می‌گذارند. اگر یاد جامعه‌ا فروغ تاریخ روشنی گرفته باشد، سمت آینده آکنده از آگاهی را نشان‌ه خواهد رفت و هر اندازه از این دانش بی‌بهره باشد، با خطری ناآسوده به‌فردا خواهد نگرست و بیشتر از آنچه در برابر اوست، غافل خواهد ماند. از این روست که انسان، سهمی از نگاه خود را به گذشته می‌دهد تا آینده را دریابد…»

هدایت‌الله بهبودی در میزگردی درباره



► هدایت‌الله بهبودی، تاریخ‌پژوه معاصر

«یادداشت‌های بی‌تاریخ» درباره ۴۰ سال مؤانست خویش با تاریخ چنین گفته‌است: «من از سال ۱۳۶۵، به یک معنا با این رشته محشور شدم و قریب ۵۰ سال است با تاریخ عشق می‌کنم و گاهی هم تألیفی داشته‌ام. من خودم را گزارشگر تاریخ می‌دانم. در هر کاری، اگر کسی ۴۰ سال پاینداری به خرج دهد، دانستنی‌هایی پیدا خواهد کرد. چند سال که از تحصیل گذشت، خودم را تحت‌تأثیر عبدالحسین زرین‌کوب و سپس عبدالهادی حائری دیدم و به دلیل بینشی که به تاریخ دارم، به آنها احساس دین می‌کنم. این کتابچه هم خالص از این گرایش نیست. منن از روی کتاب‌های دیگر، دست به نگارش این جزوه زدم. به یاد دارم که روزی کتاب سفر به قیله را به نادر ابراهیمی دادم تا مطالعه کند. او رک بود و حرف‌ها را بی‌حاشیه می‌زد. گفت ادای جلال آل احمد را درآوردی و مرا نواخت! این در حالی بود که من حتی خسی در میقات آل احمد را نخوانده بودم که بخوام از او تقلید کنم. دانشگاه زمینه رشد من است و خوشبختانه توانستم با شاگردی بزرگانی همچون باستانی‌پاریزی و منصوره اتحادیه، چگونه نگاه کردن به تاریخ را بیاموزم و در این عرصه به تمرین بپردازم. من مشق روزنامه‌نگاری کرده بودم، پس با تلفیق نگارش تاریخی، نظر استادان را به خود جلب کردم و تشویق شدم. شناخت من از دانشگاه شروع شد، اما با تأسیس ادبیات انقلاب اسلامی هم پیدا کرد و اکنون از مرز شناخت تا حدودی به مرز مهارت رسیدم، اما هنوز به مرز تخصص نرسیده‌ام. این کتاب محصول فهم من است که در این ۴۰ سال مسایلی من با تاریخ اندوخته شده‌است. شاید کسانی را که درصدد گام نهادن به این عرصه‌اند، مفید و مؤثر افند…»

تاریخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



خرداد ۱۳۷۷، آمل، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و عبدالله جوادی آملی در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی

در آمدی بر تبارشناسی حوزویان استان مازندران در ایران معاصر

عالمان طبرستان در کسوت پیشکسوتان علم و جهاد

■ **یاسر عسگری***

شناخت سوابق فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در هر منطقه‌ای، یکی از شرایط اولیه برای انجام پروژه‌های سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار در آن خطه، طبیعی است که شناخت هر ناحیه، ضرورتی برای فعالان سیاسی و فرهنگی آن محدوده است و هر چه شناخت بیشتر باشد، زمینه برای اثرگذاری و ماندگاری فعالیت‌ها افزون‌تر خواهد بود. در این نوشتار سعی شده‌است در آمدی اجمالی بر تبارشناسی و معرفی حوزویان شاخص استان مازندران در ایران معاصر ارائه شود.

■ ■ ■

■ **علمای دوره پهلوی اول و دهه‌های ۳۰ و ۴۰، در منطقه مازندران**

شاید بتوان گفت شاخص‌ترین علمای برجسته منطقه مازندران در دوره پهلوی اول و دهه ۳۰، آیت‌الله مهدی امامی امیرکلایی و آیت‌الله محمدتقی آملی هستند که در حوز‌های علمیه قم و تهران تدریس داشتند. آنها هر دو، شهید آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری را درک کرده بودند. آیت‌الله امامی در مجالس مختلف از مظلومیت شیخ شهید می‌گفت. او از حامیان آیت‌الله‌الطلمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی و منتقدان جدی سیاست‌های رضاخان بود. پدر آیت‌الله آملی، ملامحمد آملی از همفکران آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری و از مخالفان اساسی مشروطه سکولار قلمداد می‌شد. آیت‌الله آملی علاوه بر ارائه آثار از‌رشمندی در فقه، اصول و فلسفه، کتاب‌هایی مثل «نقد ماتریالیسم» را نوشت و به تجزیه و تحلیل فیلسوفانه اندیشه‌های مادی پرداخت. آیات: حسن‌حسن‌زاده آملی، عبدالله جوادی آملی و سیدرضی شیرازی از شاگردان معروف او هستند و هم او طریق آشنایی آیتین آملی با علامه طباطبایی را گشود.

اینک به معرفی حوزویانی می‌پردازیم که در آن مقطع در مازندران سکونت داشتند. علامه حسن حسن‌زاده آملی – که خود، از مفاخر مازندران به شمار می‌رود- در یکی از آثارش به برخی سوابق حوزه‌های علمیه منطقه اشاره می‌کند: «در آن زمان، بزرگانی در شهر آل داشتیم که دو تن از آنها در مرتبه اول روحانیت شهر بودند. آن دو نفر مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالقاسم فرسیو و آیت‌الله محمدآقای غروی بودند. مرحوم آقای فرسیو و مرحوم آقای غروی، حوزه تهران و نجف را درک کرده بودند و هر دو از شاگردان بنام حوزه نجف و از شاگردان مرحوم نائینی و مرحوم اصفهانی و آقایان دیگر بودند و مجتهد مسلم زمان خودشان به شمار می‌رفتند… مرحوم آقای غروی با آن سطح بالای علمی برای ما صرف میر می‌گفت:…! یا در جایی دیگر می‌گوید: «استاد گرانقدر ما حضرت آیت‌الله محمد آقای غروی آملی حکایت فرمود از سلطه اجانب کار دینداری به جایی رسیده بود که من بعضی از روزها با لباس روحانی در خیابان و بازار آمل بدین قصد عبور می‌کردم که مردم مرا ببینند و دین و دینداری را فراموش نکنند و میدا و معاد را یادشان نرود…» منطقه بابل هم از مناطق عالم خیز استان بود که در آن زمان، شخصیت‌های برجسته‌ای چون آیات: سید محمدباقر حجتی، محمدعلی شریف طبرستانی، نجفعلی فاضل استرآبادی، سیدحسین بهشتی و فرزندان سیدمحمد محقق بهشتی و امان‌الله کریمی را به جامعه علمی شیعه تقدیم کرد. البته باید از آیت‌الله سیدعلی اسلامی هم یاد کرد که مدت‌ها ریاست مدرسه علامه بابل را بر عهده داشته

■ ■ ■

شاخص ترین عالمان منطقه در دوره پهلوی اول و دهه ۳۰، آیت‌الله مهدی امامی و آیت‌الله محمدتقی آملی هستند که در حوزه‌های علمیه قم و تهران تدریس داشتند. آنان هر دو، شهید آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری را درک کرده بودند. آیت‌الله امامی در مجالس مختلف از مظلومیت شیخ می‌گفت. پدر آیت‌الله آملی، ملامحمد آملی از همفکران آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری و مخالفان مشروطه سکولار بود

■ **دهه‌های ۴۰ و ۵۰، دوره منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی**

در این دوره نهضت اسلامی و فعالیت‌های مربوط به آن آغاز شده بود. شاخص‌ترین علمای مازندران در این مقطع آیت‌الله نجفعلی فاضل قرار گرفت. باید دانست پیش از بازتأسیس (احیای) حوزه علمیه قم، بابل به واسطه تعدد مدارس علمیه و حضور مجتهدین و عالمان بزرگ، از مراکز مهم تعلیم علوم دینی کشور بوده است. حضرات آیات: سیدالعلماء مازندرانی، ملامحمد اشرفی، زین‌العابدین مازندرانی، شیخ عبدالله مازندرانی و محمدحسن بارفروشی شیخ کبیر در این دوره تاریخی در بابل تدریس داشته یا از این خطه برخاسته‌اند. آیت‌الله علی‌کبیر الهیجان قزوینی تنکابنی (متوفای ۱۳۳۹ش) نیز از علمای اخلاقی و اهل کرامت منطقه است که بیشتر در قزوین به سر می‌برد. وی از شاگردان آیت‌الله سیدموسی زرآبادی یکی از استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود. شیخ مجتبی قزوینی (خواهرزاده‌اش) محمدرضا حکیمی و شیخ محمدتقی نجوی، سه تن از شاگردان معروف او بودند. آیت‌الله شیخ حسن طبرسی سوچلمایی، از علمای دهه‌های ۲۰ و ۳۰ در ساری و بیلاقات حومه است. وی پدر آیت‌الله نورالله طبرسی امام جمعه سابق ساری است. از دیگر علمای این دوره در منطقه ساری و نکا، آیت‌الله شیخ عبدالجبار فقهی کلانی و آیت‌الله حاج سیدت نقصیری است که آیت‌الله حسین محمدی لائینی از شاگردان هر دو بوده است.

شاید بتوان گفت جدی‌ترین مبارزات در استان مازندران در شهر بابل صورت می‌گرفت و این خطه، کانون مرکزی فعالیت‌های سیاسی، له و علیه رژیم پهلوی بود. ساواک نیز برای حفظ این شهر، تدابیر مختلفی داشت. در این دوران، آیات: هادی روحانی، محمد فاضل استرآبادی، سید محمدباقر نقوی و… از روحانیون فعال و مبارز بایلی بودند. آیت‌الله روحانی در رفت و آمد میان بابل و روستای کله بست و بایلس (محل سکونت و هادی شهر امروز) بود و ارتباط گسترده‌ای با مبارزان انقلابی و شاگردان امام خمینی در سطح کشور داشت. آیت‌الله فاضل – هم پس از مراجعت از حوزه علمیه نجف- مسجد کاظم بیگ را پایگاه استقرار و فعالیت‌های انقلابی خود قرار داد. آیات و حجج اسلام: نظری خادم الشریعه، شیخ مصطفی صدوقی، شیخ نورالله طبرسی، سید حسین شجاعی کیاسری و شفیعی دارابکلی در مرحوم آقای فرسیو و مرحوم آقای غروی و حسن‌زاده آملی در آمل، آیت‌الله اسماعیل صالحی مازندرانی در قائمشهر و سوادکوه، آیت‌الله سجادی در نور و فریدونکنار، حجج اسلام: علی اکبر سلیمانی و صالحی را بایلسر، آیات: لیموندنی و محمدی لائینی در نکا، آیت‌الله ابوالحسن ایازی در رستمکلا، آیات: سیدصابر جباری، خلیلی رحمانی در بهشهر و… فعالیت می‌کردند. بهشهر از سوی زادگاه حجت‌الاسلام سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد بود و نور هم منطقه‌ای است که حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری بدان انتساب داشت و آنان نیز از تیابطاتی با زادگاه خودشان داشتند. آیت‌الله حسین محمدی لائینی پس از مراجعت از نجف اشرف و به پیشنهاد آیت‌الله کوهستانی، مدتی در حوزه علمیه کوهستان کرسی تدریس و تعلیم را بر عهده می‌گیرد. او بعد از مدتی براساس دعوت بزرگان شهر نکا و صوابدید آیت‌الله کوهستانی به تجدید و احیای حوزه علمیه نکا می‌پردازد؛ حوزه‌ای که پیش‌تر به وسیله آیت‌الله لیموندهی تأسیس شده بود. او هم‌زمان با این دوره، یک حوزه علمیه تابستانه در موطن اصلی خود،

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

۹ خواران

روزنامه خوان | شماره ۲۴۷۸

پویایی سابق می‌گردد.

با آغاز دفاع مقدس، نقش علما و مبلغان حوزوی مازندران نیز برجسته می‌شود. از سوی دیگر، جمعی از علمای برجسته هم در جبهه‌های نبرد حضور پیدا می‌کنند و در جمع رزمندگان حاضر می‌شوند. آیات: جوادی آملی، روحانی، جباری، ایازی، صالحی مازندرانی، معلمی و… در این‌زمره‌اند و از میان آنها آیت‌الله جباری حضور پررنگ‌تری در جبهه‌ها داشت. روحانیون و طلاب فراوانی از مازندران، در جبهه‌ها حضور داشتند و به شهادت رسیدند که حجت‌الاسلام مهدی عبدالله‌پور از چهره‌های شاخص حوزوی از مصدیق آنان است. برخی از حوزه‌های علمیه استان نیز در زمینه حضور در جبهه‌ها برجسته‌اند. برای نمونه مدرسه علمیه امام صادق(ع) رستمکلای بهشهر بیش از ۹۰ شهید در دوران دفاع مقدس دارا طلاب حوزه‌های علمیه استان به ویژه خاتم‌الانبیاء(ص) و فیضیه هم در جبهه‌ها فعال بودند.

آیت‌الله سیدعلی محقق بهشتی (متولد بابل)، از علمای شاخص این دوره در نجف اشرف است که بعد از آیات عظام خویی و سبزواری مرجعیتش مطرح می‌شود. اگر چه ایشان در فضای عمومی استان چندان شناخته شده نیست، ولی در فضای علمی و حوزوی به ویژه بین فضا‌ی نجفی، شخصیتی شناخته شده دارد و بعد از درگذشت وی، رهبر معلم انقلاب و آیت‌الله سیستانی پیام تسلیت صادر کردند. آیت‌الله محمدعلی تسلیتری که اصالتاً از غربی‌ترین مناطق مازندران است، معاونت بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده می‌گیرد. آیت‌الله محی‌الدین مازندرانی از شاگردان شهید صدر نیز در دستگاه قضایی مشغول فعالیت می‌شود. برخی مانند دکتر سیدمحمدباقر حجتی و دکتر ابوالحسن شریف طبرستانی در دانشگاه تهران و حوزه علمیه مروی و مجتهدی این شهر مشغول تدریس و تحقیق می‌شوند. در دهه ۷۰، حجت‌الاسلام محمد دشتی (محمودآبادی) مترجم مشهور نهج‌البلاغه، از روحانیون انقلابی استان قلمداد می‌شد. وی محققی کوشا و نوپسند‌ای پرکار و در دفاع از انقلاب اسلامی، بسیار صریح بود. آیت‌الله زین‌العابدین یاکوبی (امام جمعه فریدونکنار) هم در زمینه‌های علمی و حوزوی شناخته شده‌تر شد. آیت‌الله محمدکاظم فقهی‌ی مازندرانی نیز در حوزه علمیه قم تدریس و حتی کتابخانه‌ای هم در قم تأسیس می‌کند.

■ **حوزویان شاخص مازندران در دهه‌های ۹۰ و ۸۰**

اگرچه برخی شخصیت‌های حوزوی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در استان حضور داشتند یا فعالیت فرهنگی و تبلیغی یا تدریسی انجام می‌دادند، ولی به دلایل مختلف کمتر شناخته شده بودند. یژرنگ شدن نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در شناخت و اثرگذاری بیشتر آنها کمک کرد به گونه‌ای که در دهه‌های بعدی محوریت یافتند و در فضاهای فرهنگی، رسانه‌ای و حوزوی استان وزنه مهمی محسوب شدند. شخصیت‌هایی مانند آیات: نظری و طبرسی در ساری، معلمی در جویبار و قائم شهر، سیدرحیم توکل و عباس نیکزاد در بابل، سیدیوسف ابراهیمیان و محمدعلی حجتانی (فرزند صادق لاریجانی (مشهور به آیت‌الله آملی لاریجانی) در سطح استان. آیت‌الله لاریجانی در ادوار اخیر به عنوان نماینده مردم استان در مجلس خبرگان رهبری نیز انتخاب شده‌است. حجت‌الاسلام محمداسماعیل کوهستانی فرزند آیت‌الله کوهستانی هم و بیش محل رجوع برخی جوانان، طلاب و علاقه‌مندان به سیره و سلوک این عالم زاهد قرار می‌گیرد. اوایل دهه ۹۰ هم جمعه چهره حوزوی منطقه، برجسته و رسانه‌ای می‌شوند، مانند: آیت‌الله علی‌اکبر سیفی مازندرانی (متولد فریدونکنسار و جانباز جنگ تحمیلی)، حجت‌الاسلام شیخ مجتبی روحانی (فرزند هادی روحانی) و امام جمعه فعلی (تولیت) بابل)، آیت‌الله مرتضی صدوقی مازندرانی (تولیت مدرسه علمیه امامیه ساری) و حجت‌الاسلام محمدی نائینی (فرزند مرحوم آیت‌الله محمدی لائینی که امام جمعه نکا بود و بعد از درگذشت آیت‌الله طبرسی به عنوان امام جمعه ساری و نماینده ولی فقیه استان مازندران منصوب شد).

در فضای علمی حوزه‌ها نیز آمل جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره روحانیون و مدرسان برجسته حوزوی داشته است. برخی فضلا و پژوهشگران حوزوی مانند: یعقوب توکلی، حمید احدی حاجیکلایی، محمدمهدی باباپور گل افشانی و… در تهران حضور دارند. برخی نیز مانند ابوالفضل محمدصادق محمدی لائینی، چاپ‌اول، ۱۳۹۶، ساری: سروبرخ. ۳. فیضیه تهران؛ دانشنامه مفاخر مدرسه علمیه مروی و سپهسالار قدیم (شهید بهشتی)، حمید سبحانی صدر، چاپ اول، ۱۴۰۰، تهران؛ انتشارات واژه پرداز اندیشه.

■ **پژوهشگر تاریخ معاصر**

د

علامه حسن حسن‌زاده آملی: «در آن زمان بزرگانی در شهر آمل داشتیم که دو تن از آنها در مرتبه اول روحانیت شهر بودند. آن دو آیت‌الله میرزا ابوالقاسم فرسیو و آیت‌الله محمدآقای غروی بودند. آقای فرسیو و آقای غروی، حوزه تهران و نجف را درک کرده و هر دو از شاگردان بنام حوزه نجف و از تلامذه مرحوم نائینی، مرحوم اصفهانی و آقایان دیگر بودند و مجتهد مسلم زمان خودشان به شمار می‌رفتند…»

ملاحله (معروف به ملاخیل) لائی دایر می‌کند، البته حوزه‌های مشابهی در مناطق بیلابی دیگر مانند: کوننا، ورفام، لیموند، کلا، بادابسر، گلورد، منکازین، کوا و… توسط علمای آن مناطق از قدیم‌الایام تشکیل شده بود. جنس فعالیت‌های این شخصیت‌ها مانند هم نبود و تمرکز غالب آنها بر ترویج و تعمیق عقاید دینی و دفاع از مکتب اهل بیت(ع) قرار داشت. در این مقطع شهرهای استان مازندران، محل رفت و آمد خطبای مشهور کشوری بود؛ از جمله محمدتقی فلسفی و احمد کافی که زیاد به استان مازندران (مازندران فعلی و منطقه گلستان) سفر می‌کردند. در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، فعالیت‌های انقلابیون و مروجان امام خمینی در این منطقه بیشتر و بیشتر شد. فریدونکنار، نکا و بهشهر به خاطر غلبه جو مذهبی، بسترهای افزون‌تری برای فعالیت‌های انقلابی داشتند. قائم شهر (یا شاهی آن زمان) و آمل به خاطر حضور و نفوذ وابستگان دربار و فعالیت‌های ویژه کارگزاران، زمینه‌های خوبی برای جذب فعالیت‌های گروهک‌ها بود. علمای استان مازندران در ایام مبارزات علیه رژیم طاغوت و خصوصاً هفته‌های پایانی سقوط رژیم پهلوی، پیانیه مهمی را منتشر کردند که حاوی مطالب اساسی علیه شخص شاه بود. متن این بیانیه، از سوی آیت‌الله نظری خادم‌الشریعه‌انشاء واز سوی آیت‌الله ابوالقاسم رحمانی خلیلی تحریر شده است. این بیانیه از سوی سرلشکر قرنی به همه سفارتخانه‌ها ارسال شده بود که فضای منفی گسترده‌ای را علیه شاه به وجود آورد و از اسناد شاخص انقلاب اسلامی است.

■ **علمای شاخص مازندران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰**

پیروزی انقلاب اسلامی، فضای کشور را دگرگون کرد و تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای را در این مرز و بوم رقم زد. دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیتی فراوان برخوردار است، چه حوادث زیادی در این دهه اتفاق افتاد و علما و روحانیون در آن نقش‌های کلیدی داشتند. مازندرانی‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبودند. آیات: حسن‌زاده آملی، روحانی، طبرسی، محمدی لائینی و سیدصابر جباری به تربیت امام جمعه شهرهای: آمل، بابل، ساری، نکا و بهشهر می‌شوند. شیخ محمدتقی نجوی از علمای این دوره در غرب مازندران است. وی پس از آیت‌الله محمد صادق‌ی تهرانی که اولین نماز جمعه را در رامسر اقامه کرد، در تاریخ ۲۹ دی ماه سال ۱۳۶۰ و از سوی حوزه علمیه نجف، عنوان امام جمعه رامسر منصوب شد. نجوی، همچنین مؤسس مدرسه علمیه‌المهدی(عج) این شهر است. وی در عرفان عملی، شاگرد آیت‌الله شیخ علی‌کبیر الهیجان روحانی و امام جمعه فعلی (تولیت) بابل)، آیت‌الله مرتضی صدوقی مازندرانی (تولیت مدرسه علمیه امامیه ساری) و حجت‌الاسلام محمدی نائینی (فرزند مرحوم آیت‌الله محمدی لائینی که امام جمعه نکا بود و بعد از درگذشت آیت‌الله طبرسی به عنوان امام جمعه ساری و نماینده ولی فقیه استان مازندران منصوب شد). در فضای علمی حوزه‌ها نیز آمل جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره روحانیون و مدرسان برجسته حوزوی داشته است. برخی فضلا و پژوهشگران حوزوی مانند: یعقوب توکلی، حمید احدی حاجیکلایی، محمدمهدی باباپور گل افشانی و… در تهران حضور دارند. برخی نیز مانند ابوالفضل محمدصادق محمدی لائینی، چاپ‌اول، ۱۳۹۶، ساری: سروبرخ. ۳. فیضیه تهران؛ دانشنامه مفاخر مدرسه علمیه مروی و سپهسالار قدیم (شهید بهشتی)، حمید سبحانی صدر، چاپ اول، ۱۴۰۰، تهران؛ انتشارات واژه پرداز اندیشه.

■ **پژوهشگر تاریخ معاصر**